

تاثیر افزایش قیمت نفت در دهه ۵۰ بر زندگی عموم مردم

۱۲ مرداد ۱۳۹۶ ساعت ۱:۴۵

سالهای ۵۶ و ۵۷ از نظر سیاسی و اقتصادی سالهای مهم و حساس ایران میباشد. علاوه بر آنکه زمینهای سیاسی جهت مبارزه با رژیم طی این سالها تشدید یافته و منسجم گردید، از نظر اقتصادی نیز کشور از فراز و نشیب خاصی برخوردار بود. برخی این سالها را دوران رفاه و طلایی اقتصاد ایران میدانند و برخی نیز با ارائه آمارها و دلایل منطقی، از تورم و فقر شدید مردم صحبت میکنند. آنچه با استناد به این آمارها مشهود است حکایت از دوران رکود اقتصاد در این سالها دارد که در این نوشته به برخی از دلایل حاکم شدن این شرایط و نیز وضعیت اقتصادی مردم پرداخته میشود.

کافه تاریخ- مقالات تاریخی

سالهای ۵۶ و ۵۷ از نظر سیاسی و اقتصادی سالهای مهم و حساس ایران میباشد. علاوه بر آنکه زمینهای سیاسی جهت مبارزه با رژیم طی این سالها تشدید یافته و منسجم گردید، از نظر اقتصادی نیز کشور از فراز و نشیب خاصی برخوردار بود. برخی این سالها را دوران رفاه و طلایی اقتصاد ایران میدانند و برخی نیز با ارائه آمارها و دلایل منطقی، از تورم و فقر شدید مردم صحبت میکنند. آنچه با استناد به این آمارها مشهود است حکایت از دوران رکود اقتصاد در این سالها دارد که در این نوشته به برخی از دلایل حاکم شدن این شرایط و نیز وضعیت اقتصادی مردم پرداخته میشود.

وضعیت اقتصادی مردم در دهه ۵۰

اقتصاد ایران در دوره محمدرضا شاه را میتوان اقتصاد تک محصولی و مبتنی بر نفت دانست. به خصوص در دهه ۴۰ و با تعقیب سیاست ایران مبنی بر تولید هر چه بیشتر و افزایش بهای نفت، این محصول به عنوان مهمترین شاخص اقتصاد تک محصولی ایران جایگاه تعیین کننده و سرنوشت سازی در امور داخلی و خارجی ایران کسب کرد. ۱۰ نفت تا دهه ۵۰ نیز عامل و شاخص مهم در تعیین وضعیت اقتصادی مردم بود. از این رو بررسی تغییرات قیمت نفت مهمترین شاخص برای ارزیابی وضعیت اقتصادی مردم میباشد. قیمت نفت طی سالهای ۵۶ و ۵۷ به بالاترین میزان خود رسید، به گونهای که «درآمدهای نفتی ایران از ۴۳۷ میلیون یا کمتر از نیم میلیارد دلار در سال ۱۳۴۲، به ۲۰ میلیارد در سال ۱۳۵۷ میرسد.» ۲ با چند برابر شدن قیمت نفت، تجارت خارجی

نقش تعیین کننده‌های در کل اقتصاد ایران پیدا کرد. ۳ بخش عمده‌های از این تجارت مختص واردات کالاهای لوکس و گران قیمت بود. چنانچه واردات کالاهایی چون رادیو و تلویزیون که در آن سالها کالایی لوکس و تجملی محسوب میشدند، چند برابر گردید. در همین رابطه متوسط دستمزد کارگران در ۲۱ صنعت عمده طی ۱۳۵۶-۱۳۵۵، معادل ۴۸ درصد افزایش پیدا کرد. ۴ همچنین بخش عمده‌های از این درآمدها به تأسیس کارخانجات بزرگ و تولیدی اختصاص یافت که خود افزایش تولید را در بر داشت. از این رو با توجه به این شرایط بسیاری تصور میکنند شرایط اقتصادی مردم در سالهای ۵۶ و ۵۷ از رفاه بیشتری در مقایسه با سالهای پیش از آن برخوردار بود. اما واقعیت آن است که بررسی عوامل مرتبط، خلاف این ادعا را اثبات میکند. به باور بسیاری از تحلیلگران، رفاه نسبی و بالایی که برخی از آن سخن میگویند، نتیجه افزایش ناگهانی قیمت نفت بود که خود به دلیل برنامه ریزیهای نادرست مشکلاتی از جمله تورم بالا و توسعه نابرابر را به دنبال داشت.

افزایش نفت، افزایش سریع هزینه‌های دولت را به دنبال داشت که همین موضوع با ایجاد آثار انبساطی بر نقدینگی کشور، منجر به بالا رفتن تقاضا و در نتیجه افزایش تولید، واردات و نیز بهره‌برداری فشرده از تاسیسات زیربنایی گردید. در حالیکه نیروی انسانی ماهر برای این بخش همگام با تقاضا نبود که همین موضوع افزایش هزینه تولید و واردات و در نتیجه فشارهای تورمی را به همراه داشت. بنابراین تورم و افت شدید اقتصاد یکی از ویژگیهای مهم در ارزیابی وضعیت اقتصادی مردم در این سالها میباشد. ۵ با این حال افزایش تولید هم کمک چندانی به اقتصاد تک محصولی ایران نکرد و نتوانست آن را از حالت وابستگی و تک محصولی بودن نجات دهد.

از سویی گرچه عده‌های از موقعیت ایجاد شده بهره عالی و کافی بردند و توسعه در بخشهایی از کشور رونق یافته اما این فرایند متناسب با برنامه‌ریزی صحیح نبود، بدین معنا که بخشهای روستایی کشور با عدم برخورداری از امکانات اولیه همچون بهداشت و آموزش، از فقر رنج میبردند. به عبارتی درآمد بالای نفت در عمل باعث شد تا بخش‌های ثروتمند جامعه دسترسی بهتری به امکانات و درآمدهای نفتی داشته باشند و در مقابل طبقه فقیر جامعه از این وضعیت متضرر گردند. این موضوع ضمن آنکه باعث تشدید نابرابری و فاصله طبقاتی گردید، نارضایتی بخشهای عمده‌های از جامعه را نیز به همراه داشت. علاوه بر روستاییان و طبقات پایین و فقیر جامعه، کشاورزان از دیگر گروههای مهمی بودند که از شوک قیمت نفت به یکباره متضرر گردیدند، زیرا با افزایش درآمدهای عمومی دولت، بسیاری از محصولات کشاورزی از خارج وارد گردید. به عبارتی موضوع عدم تخصیص صحیح درآمدها و نیز برنامه‌ریزی نادرست از مواردی است که توجه به آن از اهمیت اساسی برخوردار است. در این رابطه باید اشاره کرد که بخش مهمی از درآمدهای ناشی از فروش نفت به بخش نظامی تعلق داشت. هزینه‌های سرسام آور نظامی که در سال ۱۳۵۶ به بیش از ۵/۹ میلیارد دلار رسیده بود بخش عمده درآمدها را جذب کرد. ۶ همچنین بخشهای دیگر این درآمدها نیز صرف واردات و کالاهای غیر ضروری میشد و «با وجودی که در دهه ۵۰ ارزش کالاهای صادراتی ایران همچون واردات افزایش یافت، ولی در مقایسه با آن به لحاظ ارزش، رشد ناچیزی و از لحاظ کیفیت در سطح پایینی قرار داشته است.» ۷

اما شاید مهمتر از تمام این عوامل که خود نتیجه سیاستهای پیش بینی نشده و برنامه‌ریزی نادرست اقتصادی بود، روی کار آمدن دموکراتها در آمریکا شوک نهایی را بر پیکره اقتصاد مشگلدار ایران وارد نمود. با روی کار آمدن کارتر در سال اواخر سال ۱۳۵۵،

دور جدیدی از مناسبات اقتصادی میان ایران و کشورهای صنعتی آغاز گردید. کارتر تثبیت بهای نفت را در رأس برنامه‌های خود قرار داد و این سیاست در تناقض با سیاست شاه که خواهان افزایش بهای نفت بود قرار داشت. از این رو دولت ایران کوشید در مقابل سیاست جدید آمریکا، از اصرار درباره لزوم افزایش بهای نفت و مرتبط ساختن آن با بهای کالاهای اساسی تولید شده در کشورهای صنعتی دست بردارد. ۸۰ در نهایت این موضوع در کنار سایر مشکلات، باعث بروز عواقب پیش بینی نشده از جمله کسری بودجه و متوقف شدن بسیاری از طرح‌های پیش‌بینی شده گردید. این تحولات که در مواردی حذف تسهیلات دولتی را نیز به دنبال داشت در نهایت باعث تشدید تورم، فقر و در نتیجه افزایش نارضایتی مردم گردید. بنابراین در ارزیابی نهایی پیرامون وضعیت اقتصادی مردم در سال‌های ۵۶ و ۵۷ و رکود شدید در آن سالها باید گفت با افزایش ناگهانی و چند برابری قیمت نفت، شاه به جای آنکه از این فرصت در جهت بهبود وضعیت اقتصادی مردم بهره ببرد، از آن به عنوان ابزاری سیاسی برای اهداف خاص خود استفاده نمود. نتیجه چنین رویکردی در نهایت طرحها و برنامه‌های نیمه‌کاره و نیز افزایش تورم و تشدید نابرابری اقتصادی بود که در کنار سایر مشکلات بر عمق نارضایتی مردم افزود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۱۲۸/مردم-عموم-زندگی-۵۰-دهه-نفت-قیمت-افزایش-تاثیر>